بومی سرود یا ستار العیوب (ملا زلفعلی بختیاری)

دهقان فارسانی، محسن

یا ستّار العیوب

ملا زلفعلی بختیاری

ملا زلفعلی بختیاری متخلص به«مجرم»فرزند لطفعلی در قریه‏ کران شهرستان فرسان و در خانواده‏ای روستایی متولد شد.وی از دوران کودکی به فراگیری علوم و متون فارسی و عربی علاقهء بسیار داشت.به همین‏سبب در مکتبخانه،خواندن و نوشتن را فراگرفت و با زبان فارسی و عربی آشنایی پید کرد.ملا زلفعلی با قرآن بسیار مأنوس و علاقمند بود و بر صرف و نحو و ادب عربی تسلط کافی‏ داشت،ابیات عربی او شاهد صدق این دعوی است.

ملا زلفعلی بختیاری طبعی لطیف و ذوقی سرشار و عشق و علاقه‏ای وافر به سرودن داشت.از آنجا که«مجرم»خود بختیاری‏زاده بود،تسلطی کافی بر زبان و واژگان بختیاری داشت و همین امر او را به سرودن اشعاری ناب و زیبا به گویش بختیاری‏ رهنمون گردید.در مورد تاریخ تولد این شاعر«بومی‏سرا»روایات‏ متعدد و غیر معتبری نقل می‏شود.با اینهمه می‏توان گفت که تاریخ‏ تولد وی اواخر سدهء دوازدهم هجری قمری(80-1270 ه.ق)است. چنان‏که نقل می‏کنند.وی با عمان سامانی همعصر بوده و حتی با این‏ شاعر جلسات مشاعره نیز برپا کرده است.زندگی این شاعر همانند اکثر مردم آنزمان ساده و بی‏پیرایه بوده،تا آنجا که می‏توان گفت‏ درویش‏گونه می‏زیسته است.اصل و نسب ملا زلفعلی به«شهران» برمی‏گردد و«کرانی الاصل»بوده است و حتی در اکثر اشعار این‏ شاعر.توصیفاتی از زادگاهش قریه«کران»ذکر شده و مکررا از این‏ روستا نام برده است.

مو که وا مردم«کرون»چو گؤو بیدم گرم‏ تخمِ شر ور مِنِ«کرون»سی چه تو ایکاری؟

 یعنی:من که با مردم«کران»مانند برادرم گرم(مهربان)بودم‏ تخم شرّ در میان«کران»چرا تو می‏کاری؟

ملا زلفعلی بختیاری دارای خط زیبایی بود،و از خودش آثار خوشنویسی بسیاری برجای‏گذارد.متأسفانه آثار وی به مرور زمان‏ قربانی بی‏توجهی مردم شد و اکنون به نظر نمی‏رسد آثار خطی وی در دسترس باشد.

از جمله آثار وی می‏توان سالارنامه را نام برد که منظومه‏ای‏ شامل حدود 500 بیت است.

از این مجموعه متأسفانه جز ابیاتی چند که ورد زبان مردم‏ «کران»است،چیزی در دست نمانده است.عنوان اثر چاپ شدهء ملا زلفعلی بختیاری حدیث کساء،به زبان لری است.در اکثر ابیات‏ این مجموعه انس و آشنایی«مجرم»با آیات و احادیث به خوبی‏ نمایانگر است.

ای که اَ اصل بدو نیک هور خت داری‏ پردهء عیو مکن پاره که خُت ستاری

 یعنی:ای که خودت از اصل بد و نیک آگاهی‏ پردهء عیب را پاره مکن که خودت ستار و پوشانندهء عیوبی

به قرونت

«مَکَروُا»

خُوندم و جر وات دارم‏ دیه حاشا نتری کرد که خُت مکاری

 یعنی:به قرآن تو

«مکروا...»

خواندم و با تو مجارا می‏کنم‏ دیگر نمی‏توانی حاشا کنی،که خودت نیز مکار هستی

این بیت اشاره‏ای است به آیهء شریفهء:

«و مکروا و مکر الله و الله‏ خیر الماکرین»

(سورهء آل عمران،آیهء 56).

موضوع اشعار ملا زلفعلی در حدیث کساء همان نقل داستان‏ حدیث کساء و بزرگداشت«اهل بیت»است.

ملا زلفعلی با توسل به پنج تن آل عبا قصیده‏ای زیبا و استادانه‏ می‏سراید.قصیدهء ملا زلفعلی بسیار یکدست و جهت‏دار و گیر است. ملا زلفعلی در کاربرد زبان محلی بختیای کاملا موفق بوده است و برخلاف برخی شاعران محلی گوی،کمتر واژگان فارسی را به عاریت‏ گرفته است.او تا حد ممکن سعی کرده است از کلمات و واژگان و اصطلاحات بومی استفاده کند.و این یکی از بارزترین امتیازات‏ شعر«مجرم»نسبت به شعر دیگر شاعران بختیاری است.

ملا زلفعلی بختیاری خود را در پیشگاه خدا گناهکار و شرمسار می‏داند و هم از این‏رو تخلص خود را«مجرم»قرار می‏دهد.

تو که نامِ خونه هشتیه رحیم و رحمان‏ نید شکی که مُنُم مجرم و تو غفاری یعنی:تو که خود را رحیم و رحمان نامیده‏ای‏ شکی نیست که من مجرمم و تو بخشنده‏ای

مرحوم پژمان بختیاری در مقدمه دیوان خود چنین نوشته است:

«یکی از خصایق این طبقه از اشعار بختیاری‏[اشعار تابع عروض‏] محاکات با ذات باری تعالی است و ظاهرا نخستین کسی که پس از ناصر خسرو و خیام به این‏گونه افکار پرداخته است،ملا زلفعلی از مردم کران است که مجرم تخلص می‏کرده...»زلفعلی،«ملا»ی‏ مکتب بود و شاگردان زیادی در مکتب او تحصیل می‏کردند و لقب‏ «ملا»را از این جهت به وی داده‏اند.

در مورد ملا زلفعلی بختیاری روایات و افسانه‏های زیادی نقل‏ می‏کنند که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‏کنم.

نقل می‏کنند وقتی صمصام السلطنه«اسفندیار خان»به«جونقان» پا گذاشت،جمعی از بزرگان روستاهای اطراف پس از مشورت با یکدیگر،این شاعر را بنام سخنران خود برای خوش‏آمدگویی به نزد صمصام بردند.

می‏گویند که صمصام همیشه عصایی نسبتا سنگین و قیمتی با خود داشته است،ملا زلفعلی پس از خوش‏آمدگویی با دیدن عصای او چنین گفت:

«اگر سامِ نر گرزِ صمصام را ببیند فرامُش کند نام را»

صمصام با شنیدن این بیت او را به نزد خود خواند و او را بوسید و دستور داد در آن زمان،حدود 200 من شلتوک بعنوان«صله»به‏ ملا زلفعلی بدهند.200 من شلتوک برابر مزد دو سال یک سرکارگر بود؛بااین‏حال،ملا آن را میان فقرا تقسیم کرد.

روایت‏ها و داستانهایی از این دست را مردم کران به همراه اشعار ملا زلفعلی از آن ایام تاکنون سینه‏به‏سینه و نسل به نسل نقل‏ کرده‏اند و تا امروز که مدت زیادی از مرگ«مجرم»می‏گذرد،هنوز چراغ یاد آن شاعر گرانقدر را روشن نگه داشته‏اند.

بونه جستی که کنی آدم وادار ز بهشت‏ ار که گندم بدِ سی چه به بهشت ایکاری؟!

 یعنی:بهانه پیدا کردی که آدم را از بهشت بیرون کنی‏ اگر که گندم بد است چرا در بهشت خودت آن را می‏کاری؟!

گفته می‏شود که ملا زلفعلی در حاضر جوابی و بدیهه گویی شهره‏ بود.و اشعار فکاهی و طنز گونه‏ای نیز از این شاعر برجای مانده‏ است.

عشق عمیق وی به اهل بیت باعث شد که مجرم قصیده حدیث‏ کساء را به زیبایی هرچه تمامتر به لهجه و گویش بختیاری بسراید. در تمامی این قصیده توحید و عشق و یگانه‏پرستی و اعتقاد به معاد جلوه و نمودی خاص دارد.امّا مقصود اصلی وی از طرح این قصیده، همانا نعمت آل عباست که از بهترین و خالصترین و پاکترین بندگان‏ صالح خدایند.

فاطمه وا بووس و میرس و،وا هر دو کُرِس‏ دُرِ شهوارن اَیَر قیمتسون جون داری

 یعنی:فاطمه با پدرش و شوهرش،با هر دو پسرش‏ مانند در شاهواری هستند اگر بهای آنان را برابر جان عزیز بداری

ملا زلفعلی بختیاری شاعری متعقد بود.شاعری که جانمایهء اصی‏ خود را از عشق و اخلاص می‏گیرد.حتی مجارای ظاهری وی با خداوند،نه از سر کفر شرک،بل که از روی ایمان و عشق او است.او با وجود معرفت و شناخت نسبت به ذات مقدس باری تعالی،خود را گناهکار می‏داند و مجرم تخلص می‏کند و طلب استغفار می‏کند.

شرط کن وا مو که حاشا نکنم روزشمار نه مو اَ مجرمی خُم،نه تو اَ غفاری

 یعنی:شرط کن با من که در روز حساب(قیامت)حاشا نکنیم‏ نه من از مجرمی خودم،نه تو از بخشندگی خودت

ملا در اواخر عمر به بیماری آبله دچار شد و سرانجام بینایی خود را از دست داد.در دوران آخر عمر و در زمان نابینایی‏اش،شخصی‏ بنام«امید»عصای دست او بود و از وی در همهء حالات مراقبت‏ می‏نمود.تاریخ دقیق فوت و محل دفنش به درستی معلوم نیست اما می‏گویند وی را در«گینکان»به خاک سپرده‏اند.